

فیلم نامه ی راز جاده

نویسنده : سید علی رضوی زبانه

سرشناسه	:	رضوی ازناوه، سیدعلی، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	فیلمنامه‌ی راز جاده/ نویسنده سیدعلی رضوی ازناوه.
مشخصات نشر	:	تهران: سیدعلی رضوی ازناوه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۸۰ ص
شابک	:	978-600-04-0785-8
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیها
یادداشت	:	عنوان روی جلد: راز جاده: فیلمنامه.
عنوان دیگر	:	راز جاده: فیلمنامه.
موضوع	:	فیلمنامه‌های فارسی
رده بندی کنگره	:	PN۱۹۹۷ / ر ۳۱۴
رده بندی دیویی	:	۹۱۰ ۲۷۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۰۱۱۶۹۸

شناسنامه ی کتاب :

نام کتاب : فیلم نامه ی راز جاده

نویسنده : سید علی رضوی

نشر : سید علی رضوی

نوبت چاپ : اول - بهار ۱۳۹۳

چاپخانه و صحافی: ماهیه

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه : ۸۰ صفحه

شابک کتاب : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۷۸۵-۸

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

تقدیم به خانواده ام

همسرم ، فرزندانم سید فرهاد و سید امیر و اطمه السادات رضوی که مرا یاری نمودند.

مقدمه

در سالهای عمرم تلاش کردم تا در حد توانم بی تفاوت به مسائل جادویش نباشم. بنابر این برای اینکه روح نا آرام خود را که از دیدن نا ملایم اجتماع رنجیده می شد را با نوشتن آرام نمایم در طول این سالها برای کودکان و نوجوانان کشورم چندین کتاب نوشتم. که ۴ جلد از آنها با نام های دوزخ ماندگار، رواند بهربان و گل زیبا، آرزوهای یک ساعت شماته دار، رفاه مهربان و جاروی علامه به چاپ رسید. چندین فیلمنامه فیلم کوتاه که به فیلم تبدیل شد، به نامهای زره شیطان، واکسی، استقبال، دستان سپید، والی چند فیلم نامه مستند از حمید سیاک سرزمین من، روایت عهد و فرش در بافت کاشان که با همکاری استاد عزیزم حمید گرامی که در تصویربرداری این آثار مرا یاری نمود، تبدیل به فیلم در حوزه ی مستند شد و نمایش های قم فاندز، زنگ خطر، دنیا و غیره که بعضی از آنها نیز برای مجسمه بعدی فیلم نامه های کوتاه آماده چاپ خواهد شد. فیلم نامه راز جاده در ۷۵ نوشته شد. و بعد از سالها تصمیم گرفتم تا آن را به صورت یک کتاب چاپ برسانم در سال ۷۵ جناب آقای جعفری جوزانی این فیلم نامه را خواند و به من پیشنهاد دادند تا آن را چاپ کنم و به عنوان کتاب عرضه نمایم، آن موقع توان این کار را نداشتم و حال امید دارم بعد از سالها مورد توجه

خوانندگان محترم قرار گیرد. امیدوارم در سالهای باقی مانده عمرم بتوانم با قلم خود تاثیری هر چند کوچک بر فرهنگ کشورم داشته باشم. و همچنان که در زمان دفاع مقدس یک سرباز کوچک برای میهنم بودم و افتخارم این بود که فرمانده ام فرمانده کل قوا امام راحل خمینی کبیر قدس سره بود حال هم زیر پرچم رهبر فرزانه امام خامنه ای سرباز کوچکی برای فرهنگ این کشور باشم.

با تقدیم احترام
سید علی رضوی
بهار ۱۳۹۳

داستان از این جا شروع می شود . که مرد ثروتمندی ، کارخانه دار تصمیم می گیرد ، کارخانه ی دیگری بسازد . به خاطر همین موضوع ، فردی را که چند ماهی است. در کارخانه مشغول کار شده و مهندس نیز می باشد. را مأمور این کار می کند . مهندس زمینی را پیدا کرده و با کبیری صاحب کارخانه به خانه شهر می رود . در مسیر کبیری به یاد حادثه ای می افتد که سال ها پیش همین جاده برای او اتفاق افتاده و حالش بد می شود . مهندس که متوجه می شود ، متعجب شده و جریانی را جویا می شود و کبیری از او می خواهد تا این راز را پیش خود نگه دارد ، و جریانی را برای او تعریف می کند. ۲۵ سال پیش ، با مردی که از جاده با عجله می گشته تصادف کرده و فرار می کند به خاطر آن از مهندس می خواهد که جای زمین را عوض کند . کبیری همسرش بچه دار نمی شود ، با او درگیری دارد و همسرش سال ها پیش بچه ای را از پرورشگاه آورده و بزرگ کرده . کبیری علاقه ای به این بچه